

Research Article

Dor: 20.1001.1.25385968.1402.18.4.11.4

Sustainable Identification Elements of Indigenous Housing with Emphasis on the Percussion Approach (Case Study: Talesh City)

Ahmad Moghaddam Dorodkhani¹, Hojjattollah Rrashid kolvir^{2*}, Amirreza Karimi Azari³ & Hasan Akbari⁴

1. Ph.D Candidate, of Architecture, Department of Architecture, Khalkhal Branch, Islamic Azad University, Khalkhal, Iran

2. Assistant Professor, Department of Architecture, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran

3. Associate Professor, Department of Architecture, Faculty of Art and Architecture, Guilan University, Rasht, Iran

4. Assistant Professor, Department of Architecture, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran

* Corresponding author: Email: h_rashid@uma.ac.ir

Receive Date: 23 December 2021

Accept Date: 13 December 2022

ABSTRACT

Introduction: Space and urban elements cannot be understood without knowing their identity, and everything that arises from this identity originates from the tactics, tricks, techniques and innovations of planners, designers and architects based on the cultural, social and economic components of a nation and political and environmental conditions it rules a place. Over time, identity manifests itself in both stable and unstable (critical) forms.

Research Aim: The purpose of this study is to identify the elements of stable identity in the native dwellings of Talesh with emphasis on the percussion approach.

Methodology: The research method in the present study is a combination of quantitative-qualitative approaches with analytical-exploratory nature which to analyze the data have been used the model of least squares in Warp-PLS software and qualitative methods of contextualization (ethnography) and rhythm analysis. The statistical population of the study is the housing of Talesh city, the sample size is estimated based on the modified Cochran model 340 housing.

Studied Areas: The geographical area of the research includes Talesh city and its housing.

Results: Findings show that the most important elements of sustainable identity in the native dwellings of Talesh are related to environmental elements (E), cultural elements (C) and functional elements (F), which based on the structural model, the extracted coefficients are 0.63, 0.48 and 0.43 respectively.

Conclusion: The results indicate that climatic conditions along with the simultaneous presence of several rhythms such as cultural values and functional needs in the cyclical and linear course of time have played a major role in shaping the sustainable identity of native dwellings in Talesh.

KEYWORDS: Sustainable Identity, Indigenous Housing, Mining Rhythm, Talesh City



فصلنامه علمی مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی
دوره ۱۸، شماره ۴ (پیاپی ۶۵)، زمستان ۱۴۰۲
شاپای چاپی ۰۵۹۶۸-۲۵۳۸ شاپای الکترونیکی ۰۵۹۵۵X-۲۵۳۸
<http://jshsp.iaurasht.ac.ir>
صص. ۲۵۰-۲۳۷

Dor: 20.1001.1.25385968.1402.18.4.11.4

مقاله پژوهشی

عناصر هویت‌ساز پایدار مسکن بومی با تأکید بر رویکرد ضرب‌آهنگ‌کاوی (مطالعه موردی: شهر تالش)

احمد مقدم درودخانی^۱، حجت‌اله رشید کلویر^{۲*}، امیررضا کریمی‌آذری^۳ و حسن اکبری^۴

۱. دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران
۲. استادیار گروه معماری، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران
۳. دانشیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه گیلان، رشت، ایران
۴. استادیار گروه معماری، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

* نویسنده مسئول: Email: h_rashid@uma.ac.ir

تاریخ دریافت: ۲ دی ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۲۳ آذر ۱۴۰۱

چکیده

مقدمه: فضا و عناصر شهری، بدون شناخت هویت آنها فهم نمی‌شود و هر آنچه از این هویت برمی‌خیزد، نشأت گرفته از تدبیرها، شگردها، فن‌ها و ابداع‌های برنامه‌ریزان، طراحان و معماران بر مبنای مؤلفه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی یک قوم و ملت و شرایط سیاسی و محیطی حاکم بر یک مکان می‌باشد. در گذر زمان هویت به دو صورت پایدار و ناپایدار (بحرانی) نمود پیدا می‌کند.

هدف: هدف از پژوهش حاضر شناسایی عناصر هویت‌ساز پایدار در مسکن بومی شهر تالش با تأکید بر رویکرد ضرب‌آهنگ‌کاوی بوده است.

روش‌شناسی تحقیق: روش تحقیق در پژوهش حاضر آمیخته و ترکیبی از رویکردهای کمی - کیفی با ماهیت تحلیلی - اکتشافی است که برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از مدل حداقل مجزورات جزئی در نرم‌افزار Warp-PLS و روش کیفی زمینه‌یابی (مردم‌نگاری) و ضرب‌آهنگ‌کاوی استفاده شده است. جامعه‌ی آماری تحقیق نیز مسکن شهر تالش بوده که حجم نمونه بر اساس مدل اصلاح‌شده‌ی کوکران ۳۴۰ مسکن برآورد شده است.

قلمرو جغرافیایی پژوهش: قلمرو جغرافیایی پژوهش شامل شهر تالش می‌باشد.

یافته‌ها: یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مهمترین عناصر هویت‌ساز پایدار در مسکن بومی شهر تالش مربوط به عناصر محیطی (E)، عناصر فرهنگی (C) و عناصر عملکردی (F) می‌باشد که بر اساس مدل ساختاری به ترتیب ضرایب استخراج‌شده برای هر کدام ۰/۶۳، ۰/۴۸ و ۰/۴۳ بوده است.

نتایج: نتایج حاکی از آن است که شرایط اقلیمی همراه با حضور همزمان چندین ضرب‌آهنگ همچون ارزش‌های فرهنگی و نیازهای عملکردی در سیر چرخه‌ای و خطی زمان نقش اصلی را در شکل‌گیری هویت پایدار مسکن بومی شهر تالش به خود اختصاص داده‌اند.

کلیدواژه‌ها: هویت پایدار، مسکن بومی، ضرب‌آهنگ‌کاوی، شهر تالش

مقدمه

مقوله هویت از گذشته‌های دور به‌عنوان یکی از دغدغه‌های بشری مطرح بوده است (تیموری و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۵۰). مفهوم کیستی و چیستی انسان یکی از قدیمی‌ترین مباحث فلسفی بوده و عمده فیلسوفان و نظریه‌پردازان در رابطه با آن به بحث و تبادل نظر پرداخته‌اند. این مقوله که در گذشته‌های دور پدیده‌ای ثابت و از پیش تعیین‌شده در نظر گرفته می‌شد، امروزه به مفهومی متغیر، پیچیده و پر از تناقض تبدیل گشته و موجب بروز بحران هویت و ناآرامی انسان مدرن گردیده است (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۶). در این راستا، در دهه‌های اخیر صاحب‌نظران حیطه‌ی برنامه‌ریزی، معماری، طراحی شهری و فرهنگ به بحران هویتی و پیامدهای آن اشارات فراوانی داشته و ابتدا در پی شناخت صحیح بحران و سپس ارائه‌ی راهکار برون‌رفت از آن بوده‌اند (Chaskin & Joseph, 2010:211). در این زمینه از مهم‌ترین توصیه‌ها، بازشناخت هویت اصیل در طراحی و معماری مسکن می‌باشد (همتی لوحه‌سرا و همکاران، ۱۴۰۱: ۸۷۲). یکی از مهم‌ترین راهکارهای بازشناخت هویت اصیل ایرانی رجوع به مؤلفه‌های سازنده مسکن و طراحی و معماری آنها در نقاطی از کشور است که علی‌رغم گذشت زمان و استیلای عمومی نوگرایی (مدرنیسم) همچنان بخش اعظمی از ساختار کهن خود را حفظ نموده و به نسل‌های جدید انتقال داده‌اند (حبیب و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۵). در این راستا، به دلیل تنوع و گستردگی اصول و مبانی در طراحی و معماری مسکن ایرانی در مناطق مختلف، لازم است اصول و مؤلفه‌های بخش مسکن و معماری با توجه به نظام اعتقادی، فرهنگی، اجتماعی، کالبدی و اقلیمی هر منطقه شناسایی شود. به بیان دیگر نمی‌توان برای تمامی بخش‌های ایران و مسکن آنها به‌صورت واحد و یکپارچه، اصول یکسانی را در زمینه‌ی هویت‌بخشی ارائه نمود؛ بلکه بر اساس تقسیم‌بندی‌های مرتبط با عوامل بنیادین نظیر مسائل اعتقادی، فرهنگی، اجتماعی، کالبدی و اقلیمی لازم است، مؤلفه‌های مرتبط، شناسایی‌شده و بر اساس این مؤلفه‌ها اقدام به تبیین اصول نمود (مولانایی و سلیمانی، ۱۳۹۵: ۱۱۷). از طرفی هویت و فرهنگ طراحی مسکن را ارزش‌هایی رقم می‌زند که تنها در بستر سنت ادراک می‌شود و معماری مسکن به آن دلیل شکل می‌گیرد تا ارزش‌ها را در خویش بپرواند (کریمی آذری و صفرنژاد، ۱۳۹۵: ۴۲) و انسان‌ها وجود خود را با هدف و مفهوم عمیق تجربه کنند (Pallasma, 2007:130). اگر این چنین نبود و مسکن سنتی و بومی ایرانی فاقد ارزش بود؛ بناهای کهن بیشتر از مستی خشت و خاک نبودند، درحالی‌که طراحی و معماری مسکن سنتی و بومی ایرانی، ضمن بهره‌گیری از شرایط زیست‌بوم و زیست‌محیطی، بر اساس اصول و ارزش‌های فرهنگی شکل گرفته است که ریشه در اعتقادات و باورهای آسمانی و معنوی ایرانیان دارد. لذا می‌توان از این ویژگی‌ها به‌عنوان پایه و مبانی یک طراحی اصولی و پایدار یاد کرد، که در عین زوال‌ناپذیر بودن، همواره تجلیات کالبدی نو و متناسب با زمان و مکان از آنها ظهور و بروز نموده است (ضرغامی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۹). از طرفی، این هویت مکان و یا به عبارتی فضای معماری و مسکن برگرفته از مؤلفه‌های معنوی، عقیدتی و مادی متعددی است که از هویت و درونیت یک بنا و رضایتمندی مردم و حس اجتماعی نسبت به آن سرمنشأ می‌گیرد (Manahasa & Manahasa, 2020:3). همچنین در بستر زمان و در یک سیر تاریخی (دوره‌ای چرخه‌ای و خطی) مؤلفه‌های هویت پایدار در ساختار مسکن نمایان گردیده و ضرباهنگ‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، عملکردی و سیاسی نقش تأثیرگذاری در این زمینه ایفا می‌نمایند (حاتمی گلزاری، ۱۳۹۸: ۲۸). با این وجود در دهه‌های گذشته با سرعت گرفتن تغییرات در مسائل مختلف، به‌ویژه طراحی مسکن، مسئله‌ی هویت به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های انسان تبدیل شده است (قاسمی، ۱۳۸۳: ۲۴; Seamon & Sowers, 2008:45; Relph, 1976:17). از این‌رو توجه به مؤلفه‌های سازنده‌ی هویت پایدار مسکن بر مبنای ضرباهنگ‌های مختلف در بستر زمان، در راستای کاربست عناصر تأثیرگذار در طراحی و معماری مسکن بومی هر منطقه به‌منظور ارتقای حس تعلق مکانی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌باشد (Aleya, 2012:13).

با توجه به اهمیت مبحث هویت در فضای شهری به‌ویژه مسکن و نقش ضرباهنگ‌های مختلف در این حوزه، هدف از تحقیق حاضر بررسی عناصر هویت‌ساز پایدار در مسکن بومی جلگه‌ی غربی گیلان (شهر تالش) با رویکرد ضرباهنگ‌کاوی می‌باشد تا با تقویت این عناصر از بحران هویتی در طراحی و معماری مسکن و شهرسازی معاصر جلوگیری به‌عمل آید. حوزه‌ی فرهنگی-معماری گیلان بدون در نظر گرفتن تقسیمات کشوری و سیاسی به ۹ حوزه تقسیم‌بندی می‌گردد که دو حوزه‌ی سرشاخ شرق و غرب که هر یک دارای چهار زیرشاخه‌ی ساحلی، جلگه‌ای، کوهپایه‌ای و کوهستانی به‌علاوه‌ی جلگه‌ی مرکزی هستند. شهرستان تالش نیز در جلگه‌ی غربی قرار گرفته است. طراحی و معماری مسکن این منطقه مبتنی بر پاسخگویی خردمندانه و صرفه‌جویانه به روابط اجتماعی انسان‌ها، شرایط دشوار معتدل و مرطوب، توانایی‌های اجرایی و مصالح در دسترس شکل گرفته و پایدار شده است.

با این حال طی دوره‌های زمانی و تأثیرگذاری ضرباهنگ‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، هویت مسکن و به طور کلی شهردست‌خوش ناپایداری گردیده و نیاز به بررسی عناصر هویت‌ساز و برنامه‌ریزی در راستای ارتقای آنها احساس می‌گردد. در راستای موضوع هویت در شهرسازی و معماری مطالعات متعددی انجام گرفته است. با این وجود پژوهشی مرتبط با عناصر هویت‌ساز پایدار مسکن بومی و نقش ضرباهنگ‌ها در این حوزه صورت نگرفته است. در ادامه به مهمترین پژوهش‌های مرتبط با موضوع مورد مطالعه پرداخته می‌شود. بمانیان و همکاران (۱۳۸۹)، در پژوهشی تحت عنوان "عناصر هویت‌ساز در معماری سنتی خانه‌های ایرانی، خانه‌ی رسولیان یزد" را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتیجه‌ی حاصل از این بررسی نشان می‌دهد که در طراحی خانه‌های سنتی ایران، معمار آشنایی کامل با مؤلفه‌های هویت‌ساز یعنی ارزش‌های ملی و دینی و ... دارد که همه‌ی آن شیوه‌ها را در معماری وارد نموده است. مولانایی و سلیمانی (۱۳۹۵)، در پژوهشی تحت عنوان "بازشناخت مؤلفه‌های هویت اصیل معماری بومی ایرانی در غرب کشور"، اورامان کردستان را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد در کنار شاخص‌های ساختاری و ویژگی‌های اقلیمی و تاریخی، بسیاری از ارزش‌ها و اصول معماری اسلامی نظیر حریمیت، درون‌گرایی و خودبستگی به همراه اصول و ارزش‌های دینی، در ساختار معماری اورامان و ایجاد هویتی شاخص، متجلی شده است. همچنین عوامل فرهنگ، اعتقادات اسلامی و نحوه‌ی وضعیت اجتماعی مردم، در کنار شرایط اقلیمی و جغرافیایی تفاوت‌های بنیادین در الگوهای معماری منطقه به‌وجود آورده و در نهایت منجر به شکل‌گیری معماری باارزش در منطقه شده است. یاران و بهرو (۱۳۹۵)، در مطالعه‌ای به بررسی عناصر هویت‌ساز در کالبد خارجی ساختمان‌های بلندمرتبه‌ی مسکونی در شهر تهران پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد عوامل هویت‌ساز در کالبد خارجی ساختمان‌های بلندمرتبه‌ی مسکونی در شهر تهران عبارت‌اند از: نما و مصالح در ساختمان‌های منفرد و همچنین هم‌پیکری یا گروهی بودن، نحوه‌ی قرارگیری بلوک‌ها نسبت به هم و نما در ساختمان‌های خوشه‌ای. مقدم درودخانی و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی تحت عنوان هویت‌یابی مکانی-فضایی عناصر شهری با تأکید بر مؤلفه‌های کالبدی-عملکردی، مسکن بومی جلگه‌ی غربی گیلان را مورد بررسی قرار داده‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بیشترین تأثیرگذاری بر هویت‌یابی مسکن محدوده‌ی مورد مطالعه بر مبنای شاخص‌های کالبدی-عملکردی مربوط به مؤلفه‌ی انطباق مسکن با سایر فضاها و عملکردها می‌باشد. همچنین در شهرهای تالش و صومعه‌سرا در وهله‌ی دوم انطباق مسکن با اقلیم و در رضوانشهر انطباق مسکن با فرم و عملکرد قرار دارد. از طرفی مهمترین عامل هویت‌یابی مکانی-فضایی مسکن جلگه‌ی غربی گیلان تشابه/تمایز (تشابه مسکن با یکدیگر در منطقه و تمایز با مسکن مناطق دیگر) می‌باشد. ابراهیم (۲۰۱۵)، در مطالعه‌ی خود تحت عنوان "بازآفرینی پایدار در معماری معاصر"، مؤلفه‌ها و فعالیت‌های بومی در راستای تقویت هویت را مورد مطالعه قرار داده است. این مطالعه نشان می‌دهد که چه چیزی آموخته شده است و چه چیزی در درک معماری معاصر قطر نمایان است و اینکه چگونه می‌توان یک فرهنگ عملی را برای معماری معاصر با مؤلفه‌های هویت کشور ادغام کرد. جاشاری و جاکوبی (۲۰۱۷)، نیز در پژوهشی به تفسیر هویت معماری از طریق تاریخ معماری پرداخته‌اند. این پژوهش باهدف بررسی اندیشه‌های مهم در مورد هویت معماری و دسته‌بندی‌های آن به‌طور کلی و به‌طور خاص کشور کوزوو انجام شده است. تفسیر معماری کوزوو حاکی از آن است که با سبک‌های رایج در طراحی، معماری آینده می‌تواند همانند گذشته بازگوکننده‌ی هویت باشد.

بررسی پیشینه‌ی تحقیق حاکی از آن است که از نظر هدف، مطالعات گذشته همسو با تحقیق حاضر می‌باشند، با این تفاوت که در مطالعات انجام‌شده یا به بررسی تک‌بناها همچون خانه‌ی رسولیان یزد و یا به بررسی کلی یک کشور (قطر و کوزوو) و موضوعاتی همچون معماری خارجی در تهران پرداخته شده است. همچنین تحقیق حاضر با بهره‌گیری از معیارهای معنا، عناصر محیطی، عناصر اقلیمی، عناصر فرهنگی و عناصر کالبدی در پایداری هویت مسکن بومی شهر تالش در تلاش بوده تا مسکن را علاوه بر بعد معماری در بعد یک فضا و عنصر شهری مورد بررسی قرار دهد.

به‌طور کلی می‌توان عنوان کرد که هویت یکی از مهمترین و اساسی‌ترین مسائل حوزه‌های معرفت و نیاز بشری است (علیدوست، ۱۳۹۷: ۴۱). به‌طور کلی شکل‌گیری هویت محصول یک فرایند دیالکتیک درونی-بیرونی میان دنیای شخصی فرد و مفاهیم اجتماعی می‌باشد (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۷). از طرفی هویت را می‌توان تجلی فرهنگ در محیط دانست (امیرفخریان و مبینی، ۲۰۱۰: ۱۴۰۰)، زیرا مکان‌ها از انسان معنا می‌گیرند و انسان نیز مجموعه‌ای از باورها و اندیشه‌ها است که فرهنگ او را شکل می‌دهد (خانمرادی و همکاران، ۲۰۱۴: ۲۹۲). و نمود و تجلی از فرهنگ انسان را در مکان و محیط می‌توان مشاهده نمود که همان هویت اوست (قاسمی، ۱۳۸۳: ۷۲). در این بین، بافت کالبدی و ساختار فضایی-مکانی شهرها به دلیل تأثیرپذیری از اندیشه‌ها، فرهنگ، باورها، سنت‌ها، فعالیت‌ها و غیره، یکی از مهم‌ترین و پرنقش‌ترین ابعاد هویتی شهرها را شکل می‌دهد. به همین

دلیل شناخت بخش کالبدی-فضایی شهر، به‌ویژه مسکن می‌تواند منجر به شناخت هرچه بهتر سایر ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز بشود (رحمانی و پورجعفر، ۱۳۹۵:۲۱). همچنین مسکن و معماری آن از منظر هویت، نمایانگر افکار افراد خاص و فرهنگ یک قوم و ملت بوده است و بدین‌جهت معماری متمایز در دوره‌ها و مکان‌های مختلف قابل مشاهده است (Torabi & Brahman, 2013:106). همچنین در اکثر موارد زمانی که حرف از هویت به میان می‌آید، ناخودآگاه هویت را در گذشته و تاریخ جستجو می‌کنیم، با این وجود به تعبیر "استوارت هال"، هویت روندی در حال شدن است (Hall, 2003:24). پس تقلید از گذشته و استفاده از نمادها و سمبل‌های هویت‌ساز گذشته، در هویت‌سازی جامعه و محیط امروزی امری بی‌معناست و صرفاً تکرار عناصر گذشته‌ی تاریخی است، که آن را شیوه‌ی تکرار الگوهای گذشته می‌نامیم (بمانیان و همکاران، ۱۳۸۹:۵۷). همچنان که اگر اشکال، فرم‌ها و به‌طور خلاصه، کالبد گذشته تکرار شوند، نامی جز واپس‌گرایی را نخواهد یافت. در صورتی که پذیرش اصول و ارزش‌های اصیل فرهنگی و هویت‌بخش گذشته، به همراه تجلی مطابق نیاز انسان و بومی نمودن هر آنچه که از سایر تمدن‌ها، تزاخم و تضادی با ارزش‌های فرهنگی جامعه ندارد، نوگرایی مطلوب خواهد بود (نقی‌زاده، ۱۳۷۹:۹۰). از این‌رو می‌توان گفت یکی از تغییرات مهم در مسکن امروزی، تصمیم طراحان و معماران به تغییر شکل بناها جهت برآورده کردن الزامات فعلی است. با این حال، چنین تصمیمی فقط باید با حفظ هویت انجام گردد (Meen, 2007:190). در جدول (۱) به دیدگاه‌هایی از صاحب‌نظران در راستای مفاهیم و اصول سازنده‌ی هویت در محیط‌های ساخته‌شده اشاره گردیده است.

جدول ۱. مفهوم و اصول سازنده‌ی هویت در محیط‌های ساخته‌شده از دیدگاه صاحب‌نظران

نظریه‌پرداز	دیدگاه‌ها در رابطه با مفهوم هویت در معماری	استنتاج اصول
Leng (1998)	وی معتقد است «طراحان باید برای پاسخ به نیازهای هویتی مردم به خواسته‌ها و تمایلات آنها توجه داشته باشند. هرگاه که شرایط عوض شود استدلال‌های جدیدی مورد نیاز است. او همچنین محیط ساخته شده را رمزی فرهنگی می‌داند که معرف نهادهای اجتماعی به‌وجود آورنده‌ی آنها بوده و با تغییر ادراک انسان نسبت به عملکرد جامعه، فرم کالبدی محیط نیز تغییر می‌کند. وی هدف طراحی را حل مسأله، پاسخ به نیازهای انسانی و غنی ساختن تجربه انسان می‌داند. بر این مبنا او معتقد است که هر کار خلاق طراحی که حقیقتاً در خدمت جامعه است، می‌تواند از طریق همدلی با مردم و درک قابلیت‌های محیط و آگاهی از تفاوت‌های فرهنگی رشد کند. او علاوه بر این بالا بردن تجربه‌ی انسان نسبت به گذشته را با استفاده از تفکر خلاق، به عنوان یکی از وظایف اصلی طراحان بیان می‌کند.	انطباق با روح زمان، انطباق با نیازهای انسان، قابلیت شخصی‌سازی، انطباق با بافت، انطباق با فرهنگ، خلاقیت و نوآوری
Shculz (2000)	شولتز چیستی و کجایی اشیاء را مرتبط با یکدیگر دانسته و هویت آنها را به فرم ویژه‌ی حضور آنها تعریف می‌کند. شولتز هویت را مفهومی یکپارچه و وحدت‌یافته می‌داند که به صورت هواسپهر / اتمسفر یا جو مکان بر مخاطب تأثیر می‌گذارد که به روح مکان شناخته می‌شود و در طول تاریخ و زمان پایدار می‌ماند. وی انسجام صوری را صفت اصلی زیست‌جهان دانسته و معتقد است که یک ساختمان، عالم را گرد هم می‌آورد. او این گرد هم آمدن را بر حسب سه اصل تجسم فکری (یعنی کار طراح فضا مندی محیط را شرح می‌دهد)، تکامل (یعنی ساختمان به محیط چیزی را که کم دارد اضافه می‌کند) و نمادآوری (جابه‌جایی عالمی مفهوم از مکانی به مکان دیگر) تعریف می‌کند.	انطباق فرم و عملکرد (شفافیت)، انطباق با بافت (خوانایی)، انطباق با فرهنگ (سازگاری)، انطباق با روح زمان، قابلیت شخصی‌سازی، انطباق با نیازهای انسان
Lynch (لینچ، ۱۳۹۵)	وی هویت را به ساده‌ترین شکل معنی یا «معنی یک محل» تعریف کرده که شخصیتی مشخص و بی‌نظیر را به مکان می‌بخشد و ارتباط نزدیکی با هویت شخصی پیدا می‌کند. او سازگاری، شفافیت و خوانایی را از اجزاء معنی می‌داند که ارتباط میان شکل و ارزش‌های غیرفضایی را بیان می‌کنند. همچنین وی معتقد است که «یک مکان خوب، مکانی است که تا حدودی با شخص و فرهنگ وی تناسب داشته باشد، وی را از جامعه‌اش، از گذشته‌اش، از شبکه‌ی زندگی و جهان زمان و فضا که همه چیز را احاطه کرده آگاه سازد. این نماها وابسته به هر فرهنگ خاص می‌باشند. لیکن از آن دسته تجارب مشترک و عمومی زندگی نظیر سرما و گرما، خشک و تر، روشنی و تاریکی، بزرگی و کوچکی، زنده و مرده، متحرک و ثابت، توجه و غفلت، پاکیزگی و کثافت، آزادی و محدودیت نیز بهره می‌برد.	انطباق فرم و عملکرد (شفافیت)، انطباق با بافت (خوانایی)، انطباق با فرهنگ (سازگاری)، انطباق با روح زمان، قابلیت شخصی‌سازی، انطباق با نیازهای انسان

به‌طور کلی می‌توان عنوان کرد که شکل‌گیری مسکن و معماری بومی بر پایه‌ی اقتضائاتی برآمده از سرشت محیط طبیعی و انسانی حاکم بر یک مکان است. لذا ریشه‌های این برپایی را باید در پتانسیل‌ها و نیروهای مکان از یک طرف و رفتارهای انسانی از طرف دیگر دانست. همچنین می‌توان گفت که شکل‌گیری مسکن و معماری آن در یک مکان، اغلب وابستگی بسیار به بستری دارد که در آن شکل می‌گیرد. در این راستا، شرایط اقلیمی، ویژگی‌های محیط طبیعی، کارکرد فضاها، سنت‌های غالب، اصول فرهنگی و مذهب، نوع و شکل روابط اجتماعی بر شکل‌گیری مسکن بومی یک منطقه تأثیر می‌گذارد (علی‌حسابی و راهب، ۱۳۸۷:۷۱؛ هاشم‌نژاد و مولانایی، ۲۰۱۳:۲۰). بنابراین عناصر هویت‌ساز پایدار در مسکن بومی بر مبنای تأثیرگذاری ویژگی‌های

فرهنگی-اجتماعی، محیطی-اقلیمی و کالبدی یک منطقه (زمینه‌گرایی و منطقه‌گرایی) بوده که در گذر زمان و انطباق با نیازهای زمانی-مکانی (پویایی همراه با حفظ هویت) و معنابخشی بر نظام منظر و استقرار مسکن، موجب تحقق پایداری در طراحی مسکن بومی می‌گردد. از این‌رو، ضرباهنگ‌های مختلف در بستر زمان (حاتمی گلزاری و همکاران، ۲۰۳:۱۴۰۰) و همچنین تأثیرات زمینه و منطقه، پایداری و ناپایداری در طراحی مسکن را سبب می‌شوند. در جدول شماره ۲ شرایط تبیین‌کننده‌ی هویت پایدار و ناپایدار تشریح گردیده است (Grot & Wang, 2013:68; Rapaport, 2009:47).

جدول ۲. شرایط تبیین‌کننده‌ی هویت پایدار و ناپایدار

انواع هویت	شرایط تبیین‌کننده
هویت پایدار	اندیشه‌ی سازمان‌یافته‌ی همگانی (حکمت نظری)؛ کردار سازمان‌یافته‌ی همگانی (حکمت عملی)؛ سازواری و هماهنگ شدن میان این دو بخش اندیشه و کردار (نظر و عمل).
هویت بحرانی و ناپایدار	تعاریف روشن نیستند (فقدان حکمت نظری همگانی)؛ ارزش‌ها گم شده و نامفهوم‌اند (فقدان حکمت عملی و همگانی)؛ نیازی به ارتباط بین آنها و ریشه‌یابی و ارزیابی در آنها دیده نمی‌شود.

با توجه به مبانی نظری و اهداف تحقیق می‌توان مدل مفهومی تحقیق را با توجه به عناصر هویت‌ساز پایدار مسکن بومی در بستر زمان و تأثیرگذاری ضرباهنگ‌های مختلف به شرح شکل (۱) ترسیم نمود.



شکل ۱. پایداری مسکن بومی در بستر زمان و شرایط زمینه‌ای همزمان با تأثیرگذاری ضرباهنگ‌ها

روش پژوهش

روش تحقیق در پژوهش حاضر آمیخته و ترکیبی از رویکردهای کمی-کیفی با ماهیت تحلیلی-اکتشافی است. در این راستا، به‌منظور تجزیه‌وتحلیل اطلاعات از مدل حداقل مجذورات جزئی در نرم‌افزار Warp-PLS و همچنین روش کیفی زمینه‌یابی (مردم‌نگاری) و ضرباهنگ‌کاوی استفاده شده است. جامعه‌ی آماری تحقیق مسکن شهر تالش بوده (قابل ذکر است که تعداد مسکن این شهر حدود ۳۵۰۰ می‌باشد)، که در خصوص تعیین حجم نمونه از قواعد خاص روش حداقل مربعات جزئی (مدل استفاده‌شده در این تحقیق) پیروی شده است، به‌گونه‌ای که حجم نمونه‌ی مورد نیاز در مدل‌سازی مسیری روش حداقل مربعات جزئی به‌طور قابل ملاحظه‌ای کوچک‌تر از روش معادلات ساختاری مبتنی بر کواریانس است. در این روش که یکی از جدیدترین قواعد انتخاب حجم نمونه را دارد قواعدی را پیشنهاد می‌کند که حجم نمونه باید برابر یا بزرگ‌تر از این موارد باشد: برابر تعداد شاخص‌های سازه‌ای که دارای بیشترین تعداد معرف‌های ترکیبی است؛ ده برابر بیشترین تعداد مسیرهای ساختاری که به یک سازه‌ی خاص در مدل مسیری داخلی ختم می‌شود (Henseler et al., 2009:288). با توجه به قاعده‌ی مدل حداقل مربعات جزئی و با توجه به این نکته

که ممکن است تعدادی از پرسشنامه‌های جمع‌آوری شده دارای داده‌های ناهمگون و غیرقابل اعتماد باشند، حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۳۸۳ به دست آمده که با استفاده از فرمول اصلاح‌شده کوکران به تعداد ۳۴۰ تقلیل یافته است. همچنین روش نمونه‌گیری بر اساس الگوی تصادفی ساده می‌باشد (بدین ترتیب مسکن مورد مطالعه از مناطق مختلف شهر انتخاب گردیده‌اند). قابل ذکر است در راستای شناسایی عناصر هویت‌ساز پایدار مسکن بومی از پرسشنامه‌ی محقق ساخته بر مبنای گویه‌های جدول (۳) و طیف لیکرت ۵ مقیاسی استفاده شده است.

از طرفی در تحقیق حاضر به منظور سنجش اعتبار درونی نیز ابتدا از روش اعتبار محتوا برای افزایش اعتبار پرسشنامه استفاده شده است. در این راستا با استفاده از مقیاس‌های آزمون شده در پژوهش‌های مربوط به موضوع هویت و نظرخواهی از اساتید و کارشناسان متخصص در این زمینه گام اول برداشته شد. سپس پرسشنامه‌ی تدوین شده طی دو مرحله‌ی مقدماتی و نهایی تکمیل گردید و با بررسی پاسخ‌های به دست آمده از ۳۰ پرسشنامه‌ی مقدماتی و انجام محاسبات آماری لازم، پرسشنامه‌ی نهایی تدوین گردید. جهت تحلیل و بررسی میزان صحت سؤالات پرسشنامه و سنجش سطح مناسبت ابزار تحلیل در پژوهش حاضر، با استفاده از روش تحلیل قابلیت اطمینان ضرایب آلفای تمامی سؤالات محاسبه گردیده است. بر اساس محاسبات صورت گرفته ضرایب آلفای تمامی سؤالات پرسشنامه بزرگ‌تر از ۰/۷ و همچنین ضریب کل آلفا ۰/۷۳۲ می‌باشد.

جدول ۳. متغیرهای تحقیق و کدبندی آن‌ها

منابع	گویه	عناصر هویت‌ساز پایدار معماری بومی
(مولانایی و سلیمانی، ۱۳۹۵؛ Ibrahim, 2016)	F1، انطباق با نیازهای انسانی، F2، انطباق با فرم و عملکرد (شفافیت) F2.	عملکردی (F)
(امیرفخریان و مبینی، ۱۴۰۰؛ بمانیان و همکاران، ۱۳۸۹)	P1، وحدت و یگانگی، P2، خلاقیت و نوآوری P3.	کالبدی (P)
(Rapaport, 2009; Schulz, 2000)	E1، انطباق با مصالح و فناوری‌های بومی E2.	محیطی (E)
(Aleya, 2012; Grut & Wang, 2013)	C1، انعکاس ارزش‌های فرهنگی و اعتقادی درونی C2.	فرهنگی (C)
(خانمی گلزاری و همکاران، ۱۴۰۰)	M1، نظام استقرار، M2، نظام منظر	معنایی (M)

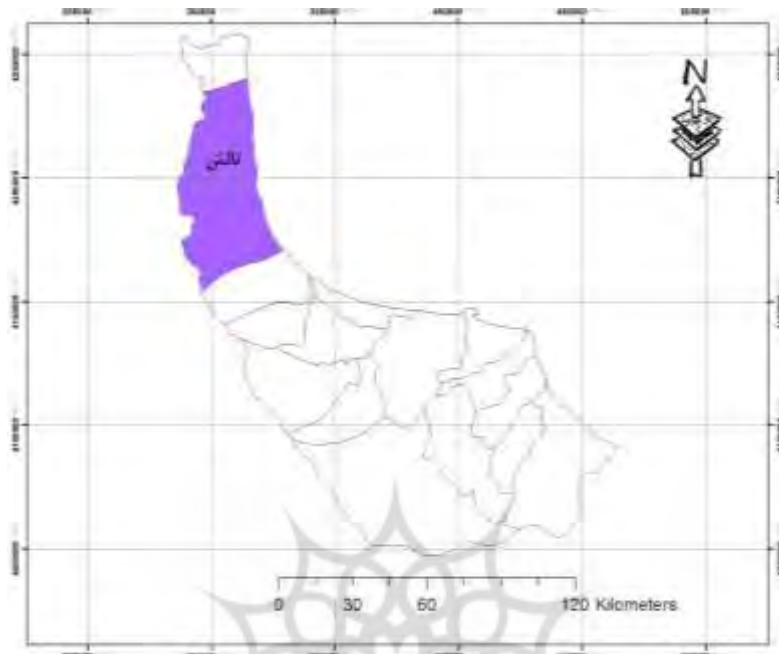
در مورد مدل حداقل مجذورات جزئی می‌توان گفت که این مدل از دو بخش زیر تشکیل می‌شود: تحلیل و تفسیر مدل ساختاری: یک مدل معادلات ساختاری که از روش حداقل مربعات جزئی (PLS) در حل آن استفاده شده است، می‌بایست در دو مرحله تحلیل و تفسیر شود. ابتدا مدل اندازه‌گیری و سپس مدل ساختاری مورد تحلیل و تفسیر قرار خواهد گرفت. منظور از بررسی مدل اندازه‌گیری، بررسی وزن‌ها و بارهای متغیرهای مکنون و منظور از بررسی مدل ساختاری بررسی ضرایب مسیر میان متغیرهای مکنون است.

تحلیل مدل اندازه‌گیری: در این مرحله، تعیین می‌شود که آیا مفاهیم نظری به درستی توسط متغیرهای مشاهده شده اندازه‌گیری شده‌اند یا خیر. بدین منظور روایی و پایایی آن‌ها بررسی می‌شود. در یک مدل PLS، پایایی هر یک از شاخص‌های متغیرهای مکنون (سازه‌ها)، سازگار درونی (پایایی سازه) و همچنین روایی همگرا و روایی افتراقی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. ضرب‌آهنگ کاوی نیز تأثیر عناصر را در یک سیر تاریخی خطی و چرخه‌ای دنبال می‌کند و با تعریف ضرب‌آهنگ جلورونده و غیرتکراری در هم ادغام شده و فلسفه‌ی زندگی ما را شکل می‌دهند. در این راستا هر چیزی در چرخه‌ی زندگی خویش اگر برمدار برگشت به جایگاه قبلی باشد ناپایدار و برعکس مانایی و راز ماندگاری پدیده‌ها (در این تحقیق هویت) در طبیعت حرکت ریتمیک زندگی بر چرخه‌هایی دوار ولی مرتفع‌تر از دیروز خویش است.

قلمرو جغرافیایی پژوهش

شهرستان تالش یا طوالش از شهرستان‌های استان گیلان در شمال ایران است. جمعیت شهرستان تالش بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، ۲۰۶۴۹ نفر بوده که دومین شهرستان پرجمعیت استان گیلان پس از رشت محسوب می‌شود و مرکز آن شهر هشتپیر با جمعیت بیش از ۵۴۱۷۸ نفر است. این شهرستان دارای ۴ بخش و ۱۰ دهستان است. شهرستان تالش در غرب استان گیلان با کوهستان‌ها و طبیعتی زیبا و دشت‌های دل‌انگیز و با واقع شدن در سواحل دریای کاسپین قطب اکوتوریسم

ایران محسوب می‌شود. همچنین این شهرستان از شمال به آستارا، از شرق به دریای خزر، از غرب به استان اردبیل و از جنوب به شهرستان رضوانشهر محدود می‌گردد. از طرفی این شهرستان در دو بستر متفاوت از نظر توپوگرافی قرار گرفته است. بخشی از شهرستان کوهستانی است و در امتداد کوه‌های مرتفع تالش در جهت شمالی-جنوبی کشیده شده و قسمتی دیگر، جلگه‌ای است که به صورت نوار باریکی بین کوهستان و دریای کاسپین واقع شده است.



شکل ۲. موقعیت جغرافیایی تالش در استان گیلان

یافته‌ها و بحث

شناسایی عناصر هویتی پایدار در مسکن بومی تالش بر اساس مدل حداقل مجذورات جزئی

الف) پایایی شاخص‌های متغیرهای مکنون: پایایی هر یک از شاخص‌های متغیر مکنون، در مدل PLS توسط میزان بارهای عاملی هر شاخص می‌شود. ارزش هر یک از بارهای عاملی شاخص‌های متغیر مکنون مربوطه می‌بایست بزرگ‌تر یا مساوی ۰/۵ باشد. در جدول (۴) میزان بارهای عاملی برای شاخص‌های متغیرهای مکنون تحقیق قابل مشاهده است.

جدول ۴. ارزش بارهای عاملی شاخص‌های متغیرهای مکنون

P-values	متغیر مکنون					متغیر مشاهده‌شده
	M	C	E	P	F	
<۰/۰۰۱	-۰/۱۶۰	-۰/۱۸۱	-۰/۳۲۰	-۰/۲۷۱	-۰/۷۲۸	F1
<۰/۰۰۱	۰/۱۶۰	-۰/۱۸۱	-۰/۳۲۰	۰/۲۷۱	۰/۷۲۸	F2
<۰/۰۰۱	۰/۱۳۸	-۰/۱۴۷	۰/۰۷۵	۰/۷۵۶	-۰/۳۱۵	P1
<۰/۰۰۱	-۰/۱۳۸	-۰/۱۴۷	-۰/۰۷۵	۰/۷۵۶	-۰/۳۱۵	P2
<۰/۰۰۱	-۰/۱۳۸	-۰/۱۴۷	-۰/۰۷۵	۰/۷۵۶	-۰/۳۱۵	P3
<۰/۰۰۱	-۰/۲۶۲	-۰/۱۲۶	-۰/۷۸۲	۰/۱۹۱	-۰/۲۴۴	E1
<۰/۰۰۱	۰/۲۶۲	-۰/۱۲۶	-۰/۷۸۲	-۰/۱۹۱	۰/۲۴۴	E2
<۰/۰۰۱	-۰/۲۷۳	۰/۷۱۹	-۰/۰۸۳	۰/۱۵۶	-۰/۳۹۱	C1
<۰/۰۰۱	۰/۲۷۳	۰/۷۱۹	۰/۰۸۳	-۰/۱۵۶	۰/۳۹۱	C2
<۰/۰۰۱	۰/۷۳۲	-۰/۰۰۹	-۰/۴۰۱	-۰/۲۵۷	-۰/۲۸۴	M1
<۰/۰۰۱	۰/۷۳۲	-۰/۰۰۹	-۰/۴۰۱	۰/۲۵۷	-۰/۲۸۴	M2

همان‌طور که در جدول فوق ملاحظه می‌شود تمامی مقادیر سنجه‌های مرتبط با متغیر مکنون که پررنگ شده است، بالاتر از ۰/۵ است. بنابراین می‌توان گفت مدل اندازه‌گیری از پایایی کافی در زمینه‌ی شاخص‌های مکنون برخوردار است. (ب) پایایی سازه (سازگاری درونی): برای اندازه‌گیری این پایایی، شاخص پایایی ترکیبی در مدل PLS ارائه می‌شود. این شاخص بر اساس ضریب آلفای کرونباخ محاسبه می‌شود. مقدار این شاخص باید بزرگ‌تر یا مساوی ۰/۷ باشد. جدول شماره ۵ مقدار پایایی سازه را برای هر یک از متغیرهای مکنون نشان می‌دهد.

جدول ۵. پایایی سازه‌های متغیرهای مکنون

متغیر مکنون					پایایی سازه
M	C	E	P	F	
۰/۷۵۲	۰/۷۷۱	۰/۷۰۸	۰/۷۹۲	۰/۷۸۱	پایایی ترکیبی
۰/۷۳۵	۰/۸۱۴	۰/۷۳۹	۰/۷۴۴	۰/۷۳۳	آلفای کرونباخ

همان‌طور که مشاهده می‌شود، تمامی مقادیر پایایی ترکیبی، بالاتر از ۰/۷ محاسبه شده است. مقدار آلفای کرونباخ نیز در جدول شماره ۵ نشان داده شده و ملاحظه می‌شود که این ضرایب نیز همگی بالاتر از ۰/۷ هستند بنابراین مدل اندازه‌گیری از پایایی سازه مناسبی برخوردار است. (پ) روایی همگرا: روایی همگرا در مدل PLS توسط معیار میانگین واریانس استخراج شده (AVE) مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

جدول ۶. روایی همگرایی سازه‌ها (متغیرهای مکنون)

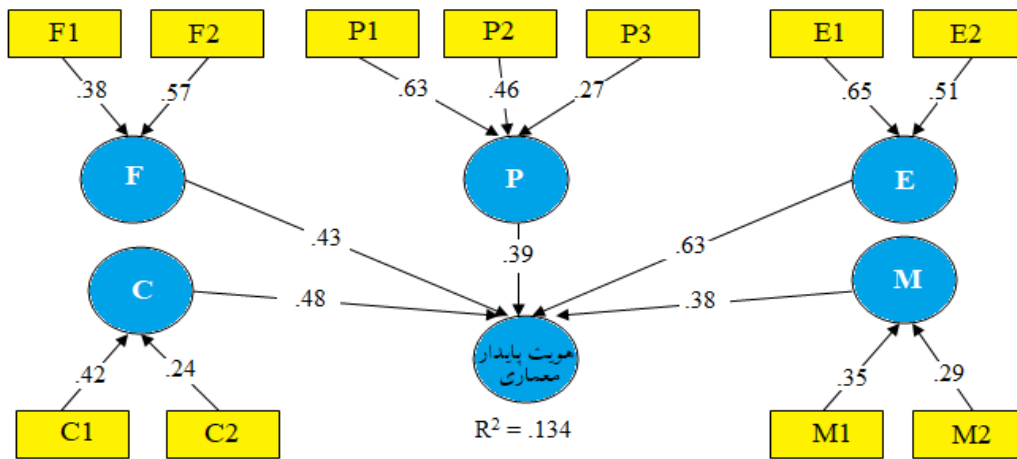
متغیر مکنون					روایی همگرا
M	C	E	P	F	
۰/۶۲۷	۰/۷۰۳	۰/۷۰۹	۰/۶۱۷	۰/۵۸۳	پایایی ترکیبی

با توجه به جدول (۶) تمامی مقادیر میانگین واریانس استخراج شده از ۰/۵ بیشتر بوده و بنابراین مدل اندازه‌گیری از روایی همگرایی مناسب برخوردار است. (ت) روایی افتراقی: برای ارزیابی اعتبار افتراقی باید بررسی شود که آیا میزان میانگین واریانس استخراج شده (AVE) برای یک سازه (متغیر مکنون)، بیشتر از توان دوم همبستگی میان آن سازه و سازه‌های دیگر مدل است یا خیر.

جدول ۷. اعتبار افتراقی سازه‌ها (متغیرهای مکنون)

سازه					سازه
M	C	E	P	F	
۰/۱۹۴	۰/۲۹۶	۰/۳۷۱	۰/۴۷۹	۰/۷۴۲	F
۰/۴۵۲	۰/۰۹۱	۰/۵۸۳	۰/۷۱۸	۰/۳۰۳	P
۰/۱۳۶	۰/۲۸۶	۰/۷۵۹	۰/۶۰۱	۰/۴۱۵	E
۰/۳۵۲	۰/۷۸۳	۰/۴۱۱	۰/۳۸۸	۰/۱۷۵	C
۰/۷۴۰	۰/۲۴۴	۰/۱۶۷	۰/۲۵۱	۰/۳۴۲	M

مقادیر قطر اصلی در جدول فوق نشان‌دهنده‌ی ریشه‌ی دوم AVE و سایر مقادیر نیز نشان‌دهنده‌ی همبستگی میان سازه‌ها هستند. ملاحظه می‌شود که تمامی سازه‌ها با شرایط مورد نظر مطابقت دارند، بنابراین می‌توان بیان کرد که سازه‌ها از اعتبار افتراقی برخوردارند. همان‌گونه که در جدول (۷) مشخص است، عناصر روی قطر اصلی دارای مقادیری بیشتری نسبت دیگر مقادیر هستند. (ث) تحلیل مدل ساختاری: در شکل (۳) که تحلیل مدل ساختاری را نشان می‌دهد، ضرایب هر یک از مسیرها به نمایش درآمده است. هر یک از ضرایب در صورتی قابل قبول است که مقدار P-values آن کمتر از ۰/۰۵ باشد. همچنین جدول (۸)، P-values مربوط به هر یک از مسیرها را ارائه داده است.



شکل ۳. مدل ساختاری تحقیق

جدول ۸. معناداری ضرایب مسیر

نتیجه	P-values	ضریب مسیر	مسیر
تأیید	۰/۰۱۲	۰/۴۳۲	AI ← F
تأیید	۰/۰۲۷	۰/۳۹۴	AI ← P
تأیید	۰/۰۰۹	۰/۶۳۲	AI ← E
تأیید	۰/۰۱۴	۰/۴۸۱	AI ← C
تأیید	۰/۰۴۲	۰/۳۷۷	AI ← M

جدول (۸) مقدار تأثیرگذاری متغیر مستقل بر متغیر وابسته را نشان می‌دهد، همان‌طوری که قابل مشاهده است اثرگذاری متغیرهای مورد بررسی معنی‌دار بودن رابطه‌ی بین عناصر هویت‌ساز و هویت‌یابی پایدار مسکن بومی تالش را در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید قرار می‌دهد. همچنین همه ۵ مورد از عناصر مورد بررسی رابطه‌ی معنی‌داری با هویت‌سازی پایدار مسکن بومی تالش در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارند که در بین عناصر مورد بررسی بیشترین تأثیرگذاری مربوط به عناصر محیطی (E)، عناصر فرهنگی (C) و عناصر عملکردی (F) می‌باشد که به ترتیب ضرایب استخراج‌شده بر اساس مدل ساختاری تحقیق برای هر کدام ۰/۶۳، ۰/۴۸ و ۰/۴۳ بوده است.

جدول ۹. ضرایب تعیین متغیرهای وابسته

شاخص	متغیرهای وابسته
R ²	RD
۰/۱۳۴	

همچنین قدرت پیش‌بینی مدل طراحی‌شده با استفاده از مقدار ضریب، برای متغیرهای وابسته تحلیل می‌شود، مقادیر بزرگ‌تر یا مساوی ۰/۱ را برای ضریب تعیین قید کرده‌اند. با توجه به جدول شماره ۹ می‌توان نتیجه گرفت که مدل ساختاری تحقیق حاضر از قدرت کافی برخوردار است. در این مدل ۱۳/۴ درصد از واریانس متغیر عناصر هویت‌ساز پایدار را متغیرهای وارد شونده بر آن توجیه می‌کند.

جدول ۱۰. آزمون استون-گیسر

شاخص	متغیرهای وابسته
Q ²	RD
۰/۱۳۸	

همچنین بر اساس آزمون استون-گیسر، چون مقادیر آزمون بالاتر از صفر محاسبه شده است، نشان می‌دهد که مدل در نظر گرفته شده، ظرفیت و توان پیش‌بینی لازم را دارد. ضریب آزمون استون-گیسر برای متغیر عناصر هویت‌ساز پایدار مسکن برابر با ۰/۱۳۸ است.

تحلیل عناصر هویت‌ساز پایدار مسکن بومی تالش

در روش زمینه‌یابی (مردم‌نگاری) هدف عمده ارائه‌ی یک "توصیف عمیق" از واقعیت تحت بررسی است. اما دستیابی به این توصیف عمیق نیازمند فنون و ابزارهایی است که به کمک آن بتوان داده‌های گردآوری شده را سازماندهی و تنظیم کرده و به نظریه‌ای مبتنی بر واقعیات دست یافت. این نوع نظریه را نظریه‌ی زمینه‌ای می‌خوانند که مستقیماً از داده‌هایی استخراج می‌شود که در جریان پژوهش به صورت منظم گردآمده و تحلیل شده‌اند. در این تحقیق برای گردآوری اطلاعات از روش‌های زمینه‌یابی همچون انجام مصاحبه، مشاهده‌ی عمیق فضاها، تصویربرداری، صدابرداری و مطالعه‌ی اسناد و مدارک در خصوص مطالعه‌ی موردی استفاده شده است. نتایج مستخرج در راستای عناصر هویت‌ساز پایدار مسکن بومی تالش با استفاده از روش زمینه‌یابی به شرح جدول (۱۱) می‌باشد.

جدول ۱۱. عناصر هویتی پایدار در مسکن بومی تالش بر مبنای رویکرد زمینه‌یابی (مردم‌نگاری)

عناصر هویت‌ساز پایدار مسکن	زمینه‌های شکل‌گیری در مسکن بومی تالش
انطباق با نیازهای انسانی	تقسیم‌بندی محیط داخلی مسکن به سه بخش مجزا (اتاق مهمان، پذیرایی و استفاده‌ی روزمره، اتاق کار)
عملکردی	انطباق با فرم و عملکرد (شفافیت)
انطباق با بافت و زمینه	بهره‌گیری از انواع دکوراسیون در عملکردهای مختلف بخش مسکونی، انطباق با فعالیت ساکنان خانه
کالبدی	انطباق با بافت و زمینه
وحدت و یگانگی	پراکنده بودن مسکن نسبت به همدیگر با توجه به مساحت فضاها، مسکونی در حاشیه‌ی شهر و متمرکز بودن مسکن در بخش مرکزی و جاده‌ی اصلی و اختلاط کاربری مسکونی و تجاری
خلاقیت و نوآوری	ایجاد تک بناها و عدم هم‌جواری چند مسکن در کنار یکدیگر (در بیشتر سطوح) با توجه به ایجاد آرامش در بین افراد حاضر در محیط مسکونی، تقارن در نمای داخلی با بهره‌گیری از ستون مرکزی (محوریت)
انطباق با اقلیم	با توجه به سادگی مسکن نوآوری‌ای در ساخت بناها مشاهده نگردید.
انطباق با مصالح و فناوری‌های بومی	ایجاد مسکن بالاتر از سطح زمین بدون زیرزمین در اکثر موارد به خاطر جلوگیری از آسیب‌های ناشی از وقوع سیل در اکثر سطوح شهر، بهره‌گیری از سقف‌های شیب‌دار
سازگاری و انطباق فضای بیرونی با فرهنگ	بهره‌گیری از مصالح بومی در ساخت انواع مسکن قدیمی طی ادوار مختلف همچون چوب، خشت و ... (در ساخت‌وسازهای جدید بتن و آهن بیشتر نمود عینی دارد)
انعکاس ارزش‌های فرهنگی و اعتقادی درونی	شکل‌گیری فضای سکونت بدون حصار بیرونی با توجه به حس اعتماد بین ساکنان و در مواقع وجود حصار نظارت پایین بر این حصار
نظام استقرار	ارتفاع بالای بخش سکونت و دسترسی به آن با تعداد متنوعی از پله‌ها با توجه به اصل حریمیت، وجود بالکن‌هایی در بخش ورودی به منظور ایجاد مکانی برای انتظار
نظام منظر	احاطه شدن فضای سکونت با انواع گیاهان و درختان و ایجاد مسکن در مرکز حصار از عناصر طبیعی در اکثر نقاط شهر
ترکیب مسکن با طبیعت و عناصر طبیعی (ترتیب فضای مسکونی با انواع گیاهان به منظور افزایش شادابی و سرزندگی)	ترکیب مسکن با طبیعت و عناصر طبیعی (ترتیب فضای مسکونی با انواع گیاهان به منظور افزایش شادابی و سرزندگی)

همچنین تحقق عناصر هویت‌ساز مسکن بومی در بستر زمان و تأثیرگذاری ضرباهنگ‌های مختلف بوده است. ضرباهنگ حاصل جریان زمان در فضا می‌باشد. برخی از آنها از امر چرخه‌ای سرچشمه می‌گیرند و دوره‌ی تناوب مشخصی دارند (Henriques et al, 2014:5) و برخی دیگر، حاصل امر خطی‌اند و از طریق توالی و بازتولید پدیده‌ای یکسان صورت می‌گیرند (برزگر و حبیبی، ۱۳۹۹:۲۳). می‌توان گفت در بستر زمان و تأثیرگذاری ضرباهنگ‌ها هویت به دو صورت پایدار و ناپایدار جلوه می‌کند. در ضرباهنگ‌های خطی شکل‌گیری هویت از یک امر تکراری تکراری تأثیر می‌پذیرد و همچون عوامل محیطی در مسکن تالش به‌عنوان هویت پایدار مشخص می‌گردد، درحالی‌که ضرب‌آهنگ‌های چرخه‌ای در بستر زمان در برخی موارد هویت پایدار و در برخی دیگر نیز هویت ناپایدار در مسکن بومی تالش را موجب شده‌اند که این امر در هویت پایدار نیازمند حفظ پویایی در سیر تکامل می‌باشد. در جدول (۱۲) به تشریح تأثیرگذاری ضرباهنگ‌های مختلف در سیر دوره‌ای چرخه‌ای و خطی در نحوه‌ی هویت‌مندی مسکن بومی تالش پرداخته شده است.

جدول ۱۲. ضرابهنگ‌های تأثیرگذار بر عناصر هویتی پایدار در مسکن بومی تالش

ضرابهنگ‌ها	تشریح تأثیرگذاری
چرخه‌ای	ضرابهنگ‌های چرخه‌ای محیطی شامل تغییرات گسترده در عوامل اقلیمی و محیط‌زیست منطقه می‌باشد که به‌ندرت دیده می‌شود.
محیطی	ضرابهنگ‌های محیطی بیشتر از سیر خطی تأثیر می‌پذیرد و ثابت ماندن اقلیم و سایر شرایط محیطی بومی موجب گردیده عوامل محیطی یکی از اصلی‌ترین عناصر هویت‌ساز مسکن بومی شهر تالش محسوب شود.
فرهنگی	ضرابهنگ‌های چرخه‌ای در ابعاد فرهنگی و تغییرات فرهنگی گسترده در مناطق شهری موجب گردیده در برخی از مناطق شهر ارزش‌های فرهنگی در مسکن تازه احداث شده رعایت نگردد.
اقتصادی- عملکردی	در ضرابهنگ خطی فرهنگی، انعکاس ارزش‌های فرهنگی و اعتقادی همچون توجه به اصل محرمیت در طراحی مسکن طی دوره‌های زمانی امری ثابت بوده است.
سیاسی-مدیریتی	تغییرات گسترده در عرصه‌ی اقتصادی-عملکردی موجب گردیده تا مسکن تازه احداث شده‌ی شهر تنها نقش استراحت‌گاهی داشته باشند و تفکیک بین حوزه‌ی زندگی و فعالیت‌ی صورت گیرد.
چرخه‌ای	ضرابهنگ خطی در حوزه‌ی اقتصادی-عملکردی در سال‌های اخیر دارای تأثیرگذاری پایین بوده است و با کاهش فعالیت‌هایی همچون باغداری، دامداری و ... در شهر تالش شاهد تأثیرگذاری پایین شاخص‌های اقتصادی-عملکردی در هویت‌یابی پایدار مسکن بومی شهر تالش می‌باشیم.
خطی	سیاست‌گذاری متنوع در حوزه‌ی مسکن باعث گردیده که هویت بومی در مسکن شهر کمتر مشاهده گردد و الگوهای مسکن یکسان برای تمامی شهرهای ایران در قالب طرح‌های مسکن ارائه گردیده و هویت ناپایدار را در برخی از مناطق شهر تالش موجب شود.
خطی	با توجه به نظام متمرکز دولتی در حوزه‌ی مسکن به‌ویژه مسکن گروه‌های کم‌درآمد و اعتبارات ارائه شده در راستای نوسازی و مقاوم‌سازی مسکن ضرابهنگ خطی ثابت در این شاخص وجود ندارد و برخی از این سیاست‌های ثابت نیز موجب کاهش هویت مسکن بومی شهر گردیده است.

با توجه به تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق می‌توان عنوان کرد که عناصر اقلیمی و محیطی باران مداوم و رطوبت نسبی زیاد منطقه، عامل اصلی شکل‌گیری الگوهای مسکن بومی در تالش است. در چنین محیطی احداث ساختمان باید با راهکارهای دقیقی صورت گیرد تا بتواند در برابر طرقت مختلف نفوذهای رطوبت به ساختمان مقاومت نماید. در این راستا به‌منظور تعدیل هوا و دفع رطوبت اطراف بدن و محیط انسان، علاوه بر وجود بازشوهای بسیار زیاد، دورتادور مسکن و بناها را یک لایه‌ی فضای زیستی نیمه‌محصور و بدون حصار یعنی ایوان‌های چهارطرفه احاطه می‌کند. تعداد بازشوها با توجه به افزایش ارتفاع، افزایش سردی هوا و کاهش رطوبت کمتر می‌گردد. همچنین علاوه بر بازشوها، با توجه به رطوبت سطح زمین، انفضال از زمین از الگوهای ایجاد بناها و طراحی مسکن برشمرده می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که عناصر اقلیمی-محیطی جزء عناصر پایدار در شکل‌گیری هویت مسکن شهر تالش محسوب می‌گردد که در دوران مختلف باعث شکل‌گیری مسکن با معماری یکسان گردیده است. از طرفی این عنصر ضرابهنگی خطی می‌باشد که باعث پایداری هویت مسکن شهر تالش گردیده است.

عامل مهم دیگری که در طراحی مسکن شهر تالش به‌صورت پایدار بر اساس نتایج تحقیق دارای تداوم/تحول بوده است، عنصر فرهنگی می‌باشد. یکی از این ویژگی‌ها، احترام به زندگی خصوصی و حرمت قائل شدن برای آن است. بر این اساس، فضای درونی به‌وسیله‌ی دیوار از فضای بیرونی جدا می‌شود و تنها بخشی از ساختمان که بیرون آمده و با خارج در ارتباط است، قسمت ورودی است که "هشتی" نام دارد. این ویژگی در اکثر مسکن شهر تالش قابل مشاهده است. از طرفی تغییرات به‌وجود آمده‌ی فرهنگی در برخی مناطق شهر موجب شده است که در سیر چرخه‌ای زمان ارزش‌های فرهنگی جایگزین هویت مسکن را با تهدید مواجه ساخته و از منظر کالبدی-فضایی حس تعلق مکانی در شهر را کاهش دهد. از سایر عناصر پایدار هویتی در طراحی مسکن بومی شهر تالش عنصر عملکردی و معنا می‌باشد. تقسیم‌بندی فضای درونی مسکن به عملکردهای مختلف زیستی و معیشتی و همچنین تقسیم فضای زیستی خود به عملکردهای اختصاصی و عمومی (مراسم‌های مختلف و مهمانی‌ها) از نمود عینی این عناصر می‌باشد. همچنین عنصر معنا از لحاظ منظر بناها و استقرار آنها نیز از عناصر پایداری است که در طراحی مسکن بومی تالش به وفور مشاهده می‌گردد. به‌طور کلی می‌توان عنوان کرد که در اکثر مسکن قدیمی شهر هویت به‌صورت چشمگیر در طراحی داخلی و فضای بیرونی نمایان است، بنابراین می‌توان گفت که قدمت مسکن و هویت آنها دارای رابطه‌ی معناداری می‌باشد. همچنین سیاست‌های متمرکز تأمین و مقاوم‌سازی مسکن و تأکید بر ارزش مادی مسکن (به‌عنوان کالا) باعث گردیده که هویت مسکن طی دوره‌های زمانی به ناپایداری سوق یابد. همچنین در بستر زمان و ضرابهنگ‌های چرخه‌ای، تمایز مسکن بومی با سایر مسکن ایران کاسته شده و سیر تحولات و تغییرات در ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی، فعالیت و ... بدون توجه به ساختار فضایی-مکانی شهر و عناصر آن همچون مسکن، بحران هویتی و کاهش حس مکان را باعث شده است. از طرفی برخی از ضرابهنگ‌های خطی همچون اقلیم و ارزش‌های فرهنگی پایداری هویت در مسکن شهر تالش را موجب گردیده که در بخش اعظم مسکن قابل مشاهده است. بنابراین تحولات ایجاد شده بعضاً همراه با حفظ ماهیت و هویت مکانی نبوده و بحران هویتی را موجب شده است.

نتیجه‌گیری

مفهوم هویت در طراحی مسکن بیانگر معنایی است که یک اثر برای مخاطب خود دربر دارد. بر این مبنا هویت در عین توجه به تاریخ، فرهنگ و گذشته، معنایی متمایز از تکرار صرف الگوهای گذشته خواهد داشت. همچنین هویت یا معنای یک اثر (مسکن)، محصول تعامل و کنش متقابل اجتماعی میان فرد و آن اثر بوده که بر مبنای تعامل میان ویژگی‌های اثر و تصویر ذهنی مخاطب شکل می‌گیرد. ادراک هویت و یا تشخیص معنا تنها در صورت وجود اشتراک معنایی میان اطلاعات ارسال شده توسط فرستنده و اطلاعات دریافتی توسط گیرنده به وقوع می‌پیوندد. از طرفی تعامل و ارتباط میان فرد و اثر (مسکن) در بستر مکانی مشخصی شکل گرفته که بر مبنای آن، مسکن بایستی قابلیت پاسخگویی به ویژگی‌های اقلیمی منطقه را دارا بوده و در ارتباط معنایی (هماهنگی یا تضاد) با بافت محیط اطراف خود قرار داشته باشد. همچنین تعامل و ارتباط میان فرد و مکان در بستر زمانی مشخصی شکل گرفته که بر مبنای آن عناصر فضا همچون مسکن بایستی قابلیت پاسخگویی به نیازهای روز مخاطبین خود را داشته و در هماهنگی با تاریخ و گذشته‌ی آن‌ها قرار داشته باشد. در نتیجه طراحی مسکن بایستی دارای تداوم معنایی با گذشته بوده و در عین حال بیانگر روح زمان خود نیز باشد. این تعامل گذشته و آینده در پرتو خلاقیت طراحان و ایجاد نوآوری در مسکن امکان‌پذیر خواهد بود که موجب پایداری در هویت مسکن می‌گردد.

نتایج این تحقیق که عناصر هویت‌ساز پایدار مسکن بومی شهر تالش را مورد بررسی قرار داده، حاکی از آن است که عناصر مختلفی بر هویت‌سازی پایدار مسکن در محدوده‌ی مورد مطالعه مؤثر می‌باشند که در بیشتر مواقع ناشی از عوامل محیطی و اقلیمی بوده که ضریب تأثیرگذاری آن بر اساس مدل ساختاری تحقیق ۰/۶۳ می‌باشد. در وهله‌ی بعدی عناصر فرهنگی و عملکردی ناشی از نمود ارزش‌های فرهنگی و همچنین انطباق فرم و عملکرد مسکن عینیت بیشتری دارد که به ترتیب ارزش این عوامل ۰/۴۸ و ۰/۴۳ می‌باشد. همچنین با توجه به نتایج مستخرج می‌توان عنوان کرد که طراحی مسکن نمودی از فرهنگ مسلط بر جامعه می‌باشند که هرزگاهی پایدار بوده و با رویکردهای نوین (با حفظ ارزش‌های فرهنگی و اعتقادی) ادغام می‌گردند. از طرف دیگر در مواردی طراحی مسکن ناپایدار بوده و بحران هویت در آنها به‌وضوح قابل مشاهده می‌باشد که ناشی از سیاست‌های متمرکز دولتی و تسلط الگوهای غربی و تقلید از آنها بدون در نظر گرفتن ارزش‌های فرهنگی بومی بوده است. بررسی عناصر هویت‌ساز در مسکن بومی شهر تالش نیز حاکی از آن است که طراحی مسکن این منطقه دارای هویت پایدار در ابعاد مختلف عملکردی، کالبدی، محیطی، فرهنگی و معنایی با توجه به ارزش‌های محیطی، فرهنگی و اعتقادی بوده و به‌عنوان یک نمونه‌ی موفق بومی می‌تواند الگویی برای سایر شهرهای منطقه و ایران باشد. در این بین، ممکن است ضرباهنگ‌های چرخه‌ای و تغییرات در ابعاد مختلف فرهنگی و عملکردی بدون توجه به زمینه‌ی محدوده می‌تواند موجب ناپایداری هویت در طراحی مسکن گردیده و بحران هویتی در ساختار فضایی شهر ایجاد نماید. به‌طور کلی با توجه به نتایج می‌توان راهکارهای زیر را در راستای کاهش اثرات ضرباهنگ‌های موجود در ناپایداری هویت مسکن شهر به کار بست:

با توجه به تأثیرات ضرباهنگ‌های مختلف همچون فرهنگی و فناوری‌های نوین در عرصه‌های مختلف و به‌ویژه مسکن، بایستی طراحی مسکن آتی ضمن تأکید بر سنت و تاریخ منطقه و همچنین زمینه‌ی استقرار مسکن دارای ایده‌ی نوآورانه همراه با حفظ هویت بومی باشد تا بدین وسیله با حفظ ماهیت اصلی بافت و زمینه سعی در ارتقای عملکردهای مسکن با نیازهای امروزی نمود. سیاست‌های تأمین مسکن از رویکرد تمرکزگرا به سمت محلی و بومی باشد تا از ایجاد مسکن مشابه با هم در سراسر ایران جلوگیری به عمل آید و بی‌روچی در شهرهای مختلف و بحران هویتی کاسته شود. بنابراین ضروری است مسکن شهر تالش مشابه هم با توجه به عناصر هویت‌ساز منطقه و متمایز با سایر شهرهای ایران باشد و رویکرد تشابه/تمایز در طراحی مسکن رعایت گردد. همچنین ضروری است در طراحی مسکن از افراد خیره‌ی شهر بهره گرفته شود تا علاوه بر حفظ سنت‌ها و ارزش‌های هویت‌مند مسکن، طراحی‌ها بر مبنای فناوری‌های نوین شکل بگیرند.

همچنین نتایج پژوهش حاضر در راستای شناسایی مهمترین عناصر هویت‌سازی معماری بومی در مورد عناصر اقلیمی و محیطی تأییدی از نتایج پژوهش مولانایی و سلیمانی (۱۳۹۵) و در مورد عناصر عملکردی تأییدی از پژوهش مقدم درودخانی و همکاران (۱۴۰۰) می‌باشد. از طرفی وجه تمایز پژوهش حاضر با پیشینه‌ی مطالعاتی در کاربست رویکرد ضرب‌آهنگ‌کاوی و تأثیرگذاری عناصر هویت‌ساز معماری در بستر زمان و سیر تاریخی چرخه‌ای و خطی بوده است.

تقدیر و تشکر

این مقاله مستخرج از رساله دکتری رشته معماری بوده که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال از آن دفاع شده است.

منابع

- امیرفخریان، مصطفی و مبینی، حسین. (۱۴۰۰). تفاوت‌های فضایی در تبیین عوامل هویت‌مندی فضای شهری با استفاده از روش‌های لجستیک و تمایزی-مورد مطالعه: مناطق غربی و شرقی مشهد. *فصلنامه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، ۲۱(۶۱)، ۲۱۹-۲۰۱.
- برزگر، سپیده و حبیبی، میترا. (۱۳۹۹). کاوش ضرب‌آهنگ زندگی روزانه در ساماندهی مصرف فضای شهری (مورد پژوهی: پیاده‌راه شهر رشت). *فصلنامه دانش شهرسازی*، ۴(۱)، ۷۱-۴۹.
- بمانیان، محمدرضا؛ غلامی‌رستم، نسیم و رحمت‌پناه، جنت. (۱۳۸۹). عناصر هویت‌ساز در معماری سنتی خانه‌های ایرانی (نمونه موردی خانه‌ی رسولیان یزد). *دو فصلنامه مطالعات هنر اسلامی*، ۱۳، ۶۸-۵۵.
- تیموری، رویا؛ اذانی، مهری؛ مومنی، مهدی و صابری، حمید. (۱۴۰۱). تبیین نقش مولفه‌های هویت بخش در پایداری محله‌های بافت قدیم و جدید مناطق ۳ و ۷ شهر اصفهان. *فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱۷(۵۸)، ۲۶۰-۲۴۹.
- حاتمی گلزاری، الهام. (۱۳۹۸). *جلوه‌های کمال‌جویی در ضرب‌آهنگ‌های زندگی روزمره و تأثیر آن در ماندگاری معماری*، بررسی چهار گونه از بناهای تاریخی تبریز. رساله‌ی دکتری معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، استاد راهنما: احمد میرزا کوچک خوشنویس.
- حاتمی گلزاری، الهام؛ میرزا کوچک خوشنویس، احمد؛ بایزیدی، قادر و حبیبی، فؤاد. (۱۴۰۰). تدوین مؤلفه‌های ماندگاری فضاهای معماری شهری با تأکید بر ضرب‌آهنگ‌های زندگی روزمره (نمونه موردی: محدوده‌ی بازار تبریز). *فصلنامه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، ۲۱(۶۰)، ۲۱۸-۲۰۱.
- حبیب، فرح؛ نادری، مجید و فروزانگر، حمیده. (۱۳۸۷). پرسیمان تبعی در گفتمان کالبد شهر و هویت (کالبد شهر تابع هویت یا هویت تابع کالبد شهر؟). *فصلنامه هویت شهر*، ۲(۳)، ۲۳-۱۳.
- خانمرادی، سجاد؛ معینی‌فر، مریم و بیگدلی‌راد، وحید. (۱۴۰۱). تحلیل نقش اعیان‌سازی بافت فرسوده شهری بر تحولات هویتی ساکنان محلات قدیمی با رویکرد آینده پژوهی (موردی: بافت فرسوده شهر زنجان). *فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱۷(۵۰)، ۳۰۳-۲۹۱.
- رحمانی، جواد و پورجعفر، محمدرضا. (۱۳۹۵). تحلیل و بررسی شاخص‌های مؤثر در هویت محله (نمونه موردی: محله‌ی مسگرهای شهر زنجان). *فصلنامه معماری و شهرسازی پایدار*، ۴(۱)، ۳۰-۱۹.
- سلیمانی، محمدرضا؛ اعتصام، ایرج و حبیب، فرح. (۱۳۹۵). بازشناسی مفهوم و اصول هویت در اثر معماری. *فصلنامه هویت شهر*، ۱۰(۲۵)، ۲۶-۱۵.
- ضرغامی، اسماعیل؛ سادات، سیده اشرف و خاکی، علی. (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی معماری پایدار و مطابقت آن با معماری بومی خانه‌های سنتی در شهر ایرانی-اسلامی. *فصلنامه معماری و شهرسازی پایدار*، ۳(۱)، ۳۰-۱۹.
- علی‌الحسابی، مهران و راهب، محمد. (۱۳۸۷). برپایی خانه‌های روستایی فرایندی از ذهنیت تا عینیت. *مجله آبادی*، ۲۴(۵۹)، ۷۳-۶۸.
- علی‌دوست، ریحانه سادات؛ کریمی آذری، امیررضا و پرویزی، رضا. (۱۳۹۷). بررسی پدیدارشناسانه‌ی مفهوم هویت در بافت‌های تاریخی به‌وسیله‌ی مؤلفه‌های مکان در راستای طراحی بافت‌های جدید شهری. *فصلنامه معماری و شهرسازی پایدار*، ۶(۱)، ۶۰-۳۹.
- قاسمی، مروارید. (۱۳۸۳). *هویت‌بخشی به بلفت‌های مسکونی*. تهران: انتشارات روزنه.
- کریمی‌آذری، امیررضا و صفرنژاد، مهسا. (۱۳۹۵). *هویت در معماری (مفهوم هویت و چگونگی حفظ و ارتقای آن از دیدگاه معماری و شهرسازی)*. گیلان: انتشارات دانشگاه گیلان.
- لینچ، کوین. (۱۳۹۵). *تئوری شکل شهر*. ترجمه‌ی محمدحسین بحرینی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مقدم درودخانی، احمد؛ رشید کلویر، حجت‌الله؛ کریمی آذری، امیررضا و اکبری، حسن. (۱۴۰۰). هویت‌یابی مکانی-فضایی عناصر شهری با تأکید بر مؤلفه‌های کالبدی-عملکردی (مطالعه موردی: مسکن بومی جلگه‌ی غربی گیلان). *فصلنامه مطالعات ساختار و کارکرد شهری*، ۱(۲۷)، ۲۰۰-۱۸۰.
- مولانایی، صلاح‌الدین و سلیمانی، سارا. (۱۳۹۵). بازشناخت مؤلفه‌های هویت اصیل معماری بومی ایرانی در غرب کشور، نمونه موردی: اورامان کردستان. *فصلنامه معماری و شهرسازی آرمان‌شهر*، ۱۷، ۱۲۷-۱۱۵.
- نقی‌زاده، محمد. (۱۳۷۹). رابطه‌ی هویت سنت معماری ایران با مدرنیسم و نوگرایی. *فصلنامه هنرهای زیبا*، ۷، ۹۸-۸۹.
- هاشم‌نژاد، هاشم و مولانایی، صلاح‌الدین. (۱۳۸۷). معماری با نگاهی به آسمان: سکونتگاه‌های روستایی-ساختاری ویژه در معماری روستایی زاگرس (منطقه‌ی کردستان). *فصلنامه هنرهای زیبا*، ۹(۳۶)، ۲۶-۱۷.

- همتی لوحه‌سرا، جواد؛ رشید کلویر، حجت‌الله؛ مولاتی هاشجین، نصرالله و اکبری، حسن. (۱۴۰۱). ارزیابی اثرات سیاست‌های مقاوم‌سازی بر الگوهای مسکن و هویت روستایی (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان ماسال). *فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱۷(۴)، ۸۸۳-۸۷۱.
- یاران، علی و بهرو، حسین. (۱۳۹۵). بررسی عناصر هویت‌ساز در کالبد خارجی ساختمان‌های بلند مرتبه‌ی مسکونی در شهر تهران. نشریه علمی- پژوهشی *انجمن معماری و شهرسازی ایران*، ۱۲، ۲۲۴-۲۰۹.
- Aleya, A.H. (2012). Culture, Quality of life, Globalization and beyond. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 50, 11-19.
- Chaskin, R.J., & Joseph, M.L. (2011). Social interaction in mixed-income developments. *Journal of Urban Affairs*, 33(2), 209-237.
- Grut, L., & Wang, D. (2013). *Research methods in architecture*. 2nd Edition. Hoboken: Wiley.
- Hall, S. (2003). *Encryption and decryption, cultural studies*. Springer.
- Henriques, J., Tiainen, M., & Väliäho, P. (2014). Rhythm Returns: Movement and Cultural Theory. *Body & Society*, 20 (3-4), 3-29.
- Henseler, J., Ringle, C.M., & Sinkovics, R.R. (2009). The use of partial least squares path modeling in international marketing. *Advances in International Marketing*, 20, 277-320.
- Ibrahim, H.G.A. (2016). Regeneration of Sustainability in Contemporary Architecture: Approach Based on Native Function and Activities to Strengthen Identity. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 216, 800-809.
- Jashari-Kajtazi, T., & Jakupi. A. (2017). Interpretation of architectural identity through landmark architecture: The case of Prishtina, Kosovo from the 1970s to the 1980s. *Frontiers of Architectural Research*, 6(4), 480-486.
- Leng, J. (1998). *Creating Architectural Theory (The Role of Behavioral Sciences in Environmental Design)*. Amazon.
- Manahasa, E., & Manahasa, O. (2020). Defining urban identity in a post-socialist turbulent context: The role of housing typologies and urban layers in Tirana. *Habitat International*, 102, 1-15.
- Meem, J.G. (2007). *Old Forms for new buildings*. In: Canizaro, B. Vincent (Ed.), *Architectural Regionalism, Collected Writings on Place, Identity, Modernity, and Tradition* eds. Princeton Architectural Press, New York, pp. 190.
- Pallasma, J. (2007). *Tradition and modernity: the feasibility of regional architecture in post-modern society*. In: Canizaro, B. Vincent (Ed.), *Architectural Regionalism, Collected Writings on Place, Identity, Modernity, and Tradition* eds. Princeton Architectural Press, New York, pp. 130.
- Rapaport, A. (2009). *Anthropology of Housing*. Springer.
- Relph, E. (1976). *Place and placelessness*. Pion, London.
- Schulz, C.N. (2000). *Architecture: Presence, Language and Place*. Skira, Italy.
- Seamon, D., & Sowers, J. (2008). *Place and Placelessness*, Edward Relph, *Human Geography*. London Sage.
- Torabi, Z., & Brahman, S. (2013). Effective factors in shaping the identity of architecture. *Middle-East Journal of Scientific Research*, 15(1), 106-113.

How to cite this article:

Moghaddam Dorodkhani, A., Rrashid kolvir, H., Karimi Azari, A., & Akbari, H. (2024). Sustainable Identification Elements of Indigenous Housing with Emphasis on the Percussion Approach (Case study: Talesh City). *Journal of Studies of Human Settlements Planning*, 18(4), 237-250.

ارجا به این مقاله:

مقدم درودخانی، احمد؛ رشید کلویر، حجت‌الله؛ کریمی آذری، امیررضا و اکبری، حسن. (۱۴۰۲). عناصر هویت‌ساز پایدار مسکن بومی با تأکید بر رویکرد ضرباهنگ کاوی (مطالعه موردی: شهر تالش). *فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱۸(۴)، ۲۳۷-۲۵۰.